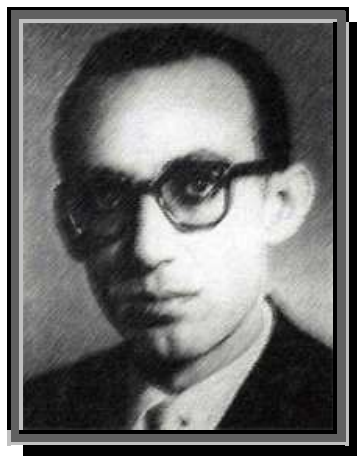




فریدون آدمیت؛ پسر عباسقلی خان قزوینی در سال ۱۲۹۹ شمسی متولد شد. وی، تحصیلات ابتدایی را محصل دارالفنون بود و در سال ۱۳۱۸ کلاس پنجم را به اتمام رسانده، سه ماه بعد در آزمون نهایی، مدرسه متوسطه را پشت سر گذاشت؛ پس از آن به دانشکده حقوق و علوم سیاسی راه یافته، در سال ۱۳۲۱ فارغ التحصیل شد. پایان نامه اش را درباره زندگی و اقدام های سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر نوشت که دو سال بعد با عنوان امیرکبیر و ایران با مقدمه استادش محمود محمود به چاپ رسید.



آدمیت در حالی که دانشجوی دانشکده حقوق بود، در سال ۱۳۱۹ به استخدام وزارت امور خارجه درآمد و سمت هایی را در آن وزارت خانه در دوران پهلوی ها بر عهده گرفت. برخی از این سمت ها عبارتند از: دبیر دوم سفارت ایران در لندن، معاونت اداره اطلاعات و مطبوعات، معاونت اداره کارگزینی، دبیر اول نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد، رایزن سفارت ایران در سازمان ملل، نماینده ایران در کمیسیون وابسته شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، نماینده ایران در کمیسیون حقوقی تعریف تعرض، مخبر کمیسیون امور حقوقی در مجمع عمومی نهم، نماینده در کنفرانس ممالک آسیایی و افریقایی در باندونگ، مدیر کل سیاسی وزارت خارجه، مشاور عالی وزارت امور خارجه، معاون وزارت امور خارجه، سفیر ایران در لاهه، سفیر ایران در مسکو، سفیر ایران در فیلیپین، سفیر ایران در هند.

آدمیت در کنار مأموریت اداری، وارد دانشکده علوم سیاسی، اقتصاد لندن شده و بعد از پنج سال تحصیل در رشته تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی در سال ۱۹۴۱ میلادی به درجه دکتری دست یافت.

وی با درخواست بازنشستگی زود هنگام وارد تحقیق و پژوهش در عرصه تاریخ تفکر معاصر می شود و فعالیت های علمی خود را در زمینه منورالفکران و مشروطه متمرکز می سازد و در این زمینه، مقالات و کتاب های متعددی را منتشر می سازد.

وی به نگارش کتاب هایی مانند اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی و ... پرداخت. انتشار کتاب اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده در سال ۱۳۴۹ خشم "ملایان" را در پی داشت و ساواک بر آن شد که کتاب مذکور را جمع آوری کند. یکی از مقامات ساواک در این خصوص چنین اظهار نظر می کند:

...اگر از طرف مقامات مسؤول مملکتی برای رفع ناراحتی از جامعه بزرگ روحانیت (به هر صورت مقدور است) اقدام نشود، جوانان متعصب مذهبی امکان دارد روزی به صورت های خطرناکی عکس العمل نشان دهند.

در گزارش ساواک درباره جمع آوری کتاب یادشده (اندیشه های آخوندزاده) چنین آمده است:
...وزارت فرهنگ و هنر با توجه به نظر بازرسان خود مبنی بر این که مطالب این کتاب با آن که در زمینه شرح احوال میرزا فتحعلی تهیه و تدوین شده، معهداً مطالب بسیاری از آن مخالف و مغایر با اصول اسلام بوده و نویسنده آن به طور کلی با ادیان الهی مخصوصاً دین مقدس اسلام و بنیانگذاران آن اهانت زیادی روا داشته و با در نظر گرفتن این که کتاب اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، قبل از اعلام نظر آن وزارتخانه به ثبت رسیده و انتشار یافته، در تاریخ ۴۹/۶/۲۳ با کتابخانه ملی مکاتبه تا در صورت ارائه مجدد برای تجدید چاپ، از صدور شماره ثبت خودداری شود. مراتب در کمیسیون مورخ ۴۹/۷/۲۱ متشکله در وزارت اطلاعات توسط وزیر اطلاعات مطرح و تصمیم گرفته شد نسبت به جمع آوری آن از طریق مقتضی اقدام گردد.

در پی جمع آوری کتاب نامبرده از سوی ساواک، شاه شخصاً به وزارت اطلاعات و وزارت فرهنگ و هنر، اظهار می دارد که با چه جرأتی کتابی را که از شخص علیاحضرت شهبانو جایزه دریافت کرده است، توقیف کرده و دستور جمع آوری آن را داده اید؟ در نامه رئیس دفتر مخصوص شاه به وزارت فرهنگ و هنر این گونه آمده است:

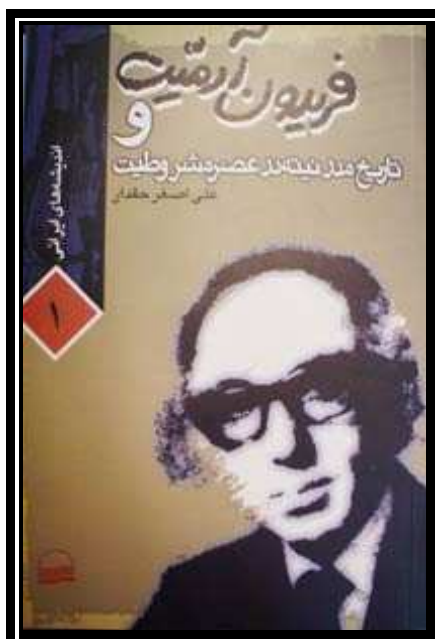
ذات مبارک ملوکانه امر و مقرر فرمودند فوراً اجازه انتشار کتاب «اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده» نوشته فریدون آدمیت که از طرف علیاحضرت شهبانوی ایران به

اعطای جایزه مفتخر شده است، صادر گردد. در اجرای اوامر مطاع مبارک خواهشمند است نتیجه اقدام را گزارش فرمایند تا به شرف عرض برسد.

وزارت فرهنگ و هنر به پیوست نامه محرمانه دفتر مخصوص شاه، این یادداشت را برای شهربانی و رونوشت آن را برای ساواک فرستاده است:

با ارسال رونوشت نامه محرمانه شماره ۴-۳۸۰/م مورخه ۲۸/۱۲/۵۰ دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره کتاب اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده که طبق مفاد آیین نامه ثبت و انتشار کتاب از طرف کتابخانه ملی بشماره ۳۸۴ مورخ ۲۰/۴/۴۹ به ثبت رسیده، لیکن انتشار آن متوقف گردیده است، خواهشمند است دستور فرمایید از هر اقدام فوری که در اجرای اوامر مطاع ذات مبارک شاهانه معمول می دارند، وزارت فرهنگ و هنر را نیز مطلع سازند. رونوشت به انضمام رونوشت نامه محرمانه ۴-۳۸۰/م مورخ ۲۸/۱۲/۵۰ جهت اطلاع به سازمان اطلاعات و امنیت کشور ارسال می شود.

در پی این نامه، ساواک طی گزارشی مفصل، از رفع توقیف کتاب نامبرده خبر می دهد.



آثار فریدون آدمیت

۱. اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار؛
 ۲. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران؛
 ۳. امیرکبیر و ایران؛
 ۴. شورش بر امتیازنامه رژی؛
 ۵. فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران؛
 ۶. فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران؛
 ۷. اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده؛
 ۸. اندیشه های طالبوف؛
 ۹. اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی؛
 ۱۰. مجموعه مقالات تاریخی؛
 ۱۱. آشفته‌گی در فکر تاریخی؛
 ۱۲. افکار سیاسی و اجتماعی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار؛
 ۱۳. عقاید و آرای شیخ فضل الله نوری؛
 ۱۴. انحطاط تاریخ نگاری در ایران؛
- و ...

آدمیت، از منظر خود، در تحقیقاتش، سه هدف را دنبال می کند:

نخست این که می‌کوشد مقام حقیقی اندیشه گران ایران را از زمان مشروطیت بازشناسد و تأثیر هر یک را در تحول فکری جدید و تکوین ایدئولوژی نهضت ملی مشروطیت به دست دهد؛ دوم، تفکر تاریخی و تکنیک تاریخ نگاری نو در ایران را ترقی دهد و سوم این که نوآموزان بدانند در این مرز و بوم، همیشه مردمی هوشمند و آزاده خو وجود داشته اند که صاحب اندیشه بلند بوده و به پستی تن در نداده اند.

روش تحقیق آدمیت (به گفته خود) در نوشته ها و کتاب های تاریخی، «آن شیوه آزموده در پژوهش های تاریخ که از دیدگاه متفکران تاریخ و صاحب نظران دانش سیاسی و اجتماعی، ممتاز شمرده شده و مورد اعتبار است» که می‌توان از آن با عنوان تاریخ نگاری تحلیلی - انتقادی نام برد. نوشته های آدمیت در تاریخ افکار اجتماعی و سیاسی معاصر ایران سویه های مشخصی دارد که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. بررسی اندیشه های متفکران اجتماعی

آدمیت «به شخصیت فردی و تأثیر آن در عقاید و آرای نویسندگان اجتماعی»، پرداخته و «نگرش کلی و سرچشمه افکار» آنان را بررسی کرده است. وی «تحول این افکار را در گذشت زمان و خاصه، رابطه افکار با مسائل اجتماعی و سیاسی زمانه» را مورد توجه ویژه قرار داده است. گزینش و پردازش شخصیت های مورد بحث در این نوشته ها، تا حدودی ریشه های فکری و دغدغه های نویسنده را مشخص می‌کند.

۲. شناساندن شیوه تفکر کلی متفکران

آدمیت می‌کوشد تا «ترکیبی کلی از رگه های مشترک عقاید متفکران و نویسندگان اجتماعی را به دست دهد؛ آنان که ترجمان جریان های فکری جدید بودند و به طرد ابهام های ذهنی و تاریک اندیشی برخاستند». تأکید وی بر این است «که اندیشه ها در عین این که آفریده ذهن آدمی هستند،

زاده جامعه اند. گرچه عامل تبدل افکار در سرتاسر جوامع مشرق زمین، تماس با مغرب بوده است (اندیشه های جدید از درون خود جامعه ها برخاست)، تحوّل جامعه ها تحت تأثیر همان افکار، انکارناپذیر است».

۳. شناسایی تحوّل فکر سیاسی درون نظام کهن

وی در مقدمه کتاب اندیشه های طالبوف تبریزی می نویسد:

در جهت سوم: سیر تحوّل فکر سیاسی را درون نظام حاکم شناساندم؛ نظامی که تحت تأثیر فشار حوادث، شکست های نظامی و سیاسی، ناتوانی اقتصادی در برابر تعرّض و سلطه مغرب زمین، گرفتار بحران گشت و هستی اش از درون مورد تهدید قرار گرفت؛ بحرانی که در نوشته های اهل دولت و حتّی عاملان محافظه کار آن نیک جلوه می کند و بخش بسیار مهمّی از مدوّنات انتقاد اجتماعی و سیاسی را می سازند.

۴. تبیین تعارض تعقل اجتماعی جدید با بنیادهای سیاسی کهن

در جهت چهارم: همان اندازه به تحلیل نظری از فلسفه سیاسی مشروطگی پرداختم که خواستم تعارض تعقل اجتماعی جدید را با بنیادهای سیاسی کهن، در جامعه متحوّل باز نمایم؛ امّا کار مورّخ فلسفی به این جا پایان نمی یابد. پس از غور و بررسی همه آن جهات مختلف، باید ترکیب منسجمی از مجموع آن عقاید و آرا و جریان های فکری به دست بدهد؛ اگر از اصل انسجام پذیر باشند.

۵. بررسی و تحلیل جریان های غیردینی در ایران

غالب نوشته های آدمیت در زمینه اندیشه غیر دینی، از سری نوشته های دست اوّل است، که مطالب تازه و جدیدی را با ادبیاتی به نسبت خوب عنوان کرده است.

از آن جا که آدمیت، خود را «فیلسوف تاریخ» قلمداد می کند، نوشته های او تحلیلی و به طور کلی انتقادی است. او می کوشد در این تحلیل و انتقاد، اندیشه دینی را در جامعه، ناکارآمد جلوه دهد. هرچند آدمیت به طور شفاف در مباحث خود به تفکیک میان اندیشه های دینی و غیردینی نپرداخته است، با گزینش افراد و گروه های سکولار و نقد جدی جبهه مقابل در اندیشه و عملکرد، این تفکیک را در خلال مباحث خود می پذیرد؛ از این رو، وی با پرداختن به انجمن هایی که بیرون از ایران، ساماندهی و اداره می شدند، این سویه را دنبال می کند.

آدمیت با تاریخ نگاری انتقادی خود، هر آن چه را که بر سنت ها مبتنی است، مورد نقد قرار می دهد. وی حرکت های مذهبی به رهبری روحانیان را حرکت های ارتجاعی می داند که دوام نمی یابد، مگر آن که قواعد آن بر اساس قوانین موضوعه بشری موجود در جهان پایه گذاری شود.

آدمیت می نویسد:

فلسفه آزادی به عنوان عالی ترین مظاهر مدنیت فکری و عقلی مغرب زمین به دنبال تمدن مادّی اروپا در دنیا انتشار یافت و تخم نهضت های ملی را در کشورها پراکند. نهضت مشروطیت ایران نیز در این جریان عمومی تاریخ ظهور کرد.

وی با مد نظر قرار دادن فلسفه های سیاسی رایج در مشروطه معتقد است:

در مرکز تعقل اجتماعی این زمان، دموکراسی سیاسی قرار دارد که نیرومندترین عناصر ایدئولوژی حکومت مشروطه خواهی را می سازد و حاکم بر هیأت مجموع عقاید و آرای سیاسی است. در حاشیه راست آن، مفهوم مشروطگی طبقه روحانی قرار گرفته و روی آن به دموکراسی است؛ اما قوه شریعت آن را می هراساند و از مرکز می گریزند؛ گر چه رشته پیوندش با حرکت ملی به کلی از هم نمی گسلد. در حاشیه چپ آن، فکر دموکراسی اجتماعی جلوه می نماید که در تشکّل حرکت مشروطیت و ایدئولوژی آن نفوذی نداشت و پس از

تأسیس حکومت مّلی ظاهر گشت. بالاخره در راست افراطي، نظریه مطلقیت و همچنین عقیده مشروطیت مشروعه وجود دارند که در عین تمایز با هم مؤتلفند و هر کدام به وجهی با فلسفه دموکراسی تعارض ذاتی دارند.

به این ترتیب، تشخیص موضع آدمیت درباره روش های سیاسی مذکور، چندان مشکل نیست، او را می توان مدافع تمام عیار دموکراسی سیاسی نامید؛ از این رو در بیش تر تحلیل های خود، حتّی در روشن ترین وقایع تاریخی مانند جریان تحریم تنباکو معتقد است که روحانیان مخالف واگذاری امتیازات به خارجیان، حتّی میرزای شیرازی، در صدد تأسیس حکومت الهی نبودند و منطق اعتراض آنان صرفاً سیاسی و ضدّ ماهیت استعماری آن امتیازات بود.

آدمیت معتقد است: ما فکر دموکراسی را از غرب گرفته ایم؛ یعنی از «دنیای مدنیت معاصر»، و زمانی کار دموکراسی را آغاز کردیم که این نظام در وطن اصلی اش (فرانسه، انگلیس و امریکا) در معرض انتقادهای فراوانی قرار گرفته بود.

آدمیت در کتاب فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران با بررسی ابعاد دموکراسی اجتماعی، می کوشد به نوعی بنیانگذار تفکر لیبرال در تاریخ نگاری معاصر باشد که البتّه تا حدودی نیز به ایفای نقش تاریخی خود موفّق شده، و تک نگاری های وی درباره تاریخ فکر اندیشوران معاصر ایران، گواه این مطلب است.

وی نهضت مشروطه را از نوع جنبش های آزادی خواه طبقه متوسطِ شهرنشین معرفی، و عناصر سازنده نهضت را در این گروه ها خلاصه می کند:

الف. روشنفکران اصلاح طلب و انقلابی؛

ب. بازرگانان ترقی خواه؛

ج. روحانیان روشن بین

آدمیت در این تقسیم، روشنفکر را «درس خوانده جدیدی» می داند که «نماینده تعقل سیاسی غربی و مروج نظام پارلمانی و تغییر اصول سیاست» است. «بازرگانان را به دلیل هوشیاری سیاسی که داشتند، در پی به دست آوردن پایگاه تازه ای» می بیند و درباره روحانیان می نویسد: روحانیون تحت تأثیر، تلقین و نفوذ اجتماعی روشنفکران آزادی خواه بودند و علت گرایش روحانیون به مشروطه نیز همین نفوذ و تلقین آنان بود.

به واقع این روشنفکران و آزادی خواهان بودند که این طیف از جامعه را به صحنه آوردند و باعث تحرک اجتماعی آنان شدند.

تحولاتی که از نظر وی به تدریج به مطرح شدن اندیشه دموکراسی اجتماعی میان مردم انجامید، عبارتند از:

. گسترش فعالیت های اجتماعی در سایه آزادی های به دست آمده از جنبش؛

. سرایت تحرک اجتماعی از شهرها به روستاها؛

. نفوذ افکار سوسیال دموکرات، به وسیله عناصر مجاهد و اجتماعیان به پهنه سیاست.

در نگاه آدمیت، منشأ تفکر اجتماعی، «اصالت جمع» است. وی، پایه های این تفکر را در موارد

ذیل می داند:

. تأمین عدالت اجتماعی؛

. از میان برداشتن نابرابری های اجتماعی؛

. تضمین مساوات اقتصادی؛

. اجتماعی ساختن قدرت اقتصادی و سیاست.

آدمیت معتقد است: اندیشه دموکراسی اجتماعی برای نخستین بار از اروپا و روسیه وارد ایران شد. وی، از میان نویسندگان سیاسی به دو نفر اشاره می‌کند که در این انتقال نقش بسزایی داشتند: ۱. میرزا آقاخان کرمانی که به طور مستقیم از افکار «سوسیالیسم» غرب متأثر بود؛ ۲. میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی که سال‌ها در قفقاز بود و با جنبش‌های آزادی‌خواه و آرای نویسندگان «سوسیال دموکرات» آشنایی داشت.

از نظر آدمیت:

گروه‌های روشنفکر و مجامع مترقی و آزادی‌خواه، با عقاید سوسیال دموکرات مغرب زمین بیگانه نبوده‌اند و دنبال تأسیس مشروطه پارلمانی و دموکراسی سیاسی بودند. بدون تردید در میان آن‌ها هیأت‌هایی بودند که افرادش از جریان‌های سوسیالیسم غربی آگاهی داشتند و حتی بعضی از آن‌ها درس خوانده اروپا و ناظر جنبش‌های سوسیال دموکراسی مغرب زمین بودند.

عامل مهم تبلیغ این افکار، کمیته ایرانی‌اجتماعیون بادکوبه، وابسته به فرقه سوسیال دموکرات است و نخستین جمعیت‌های اجتماعیون ایران نیز روی‌گرفته تأسیسات حزب سوسیال دموکرات ریخته شد. سال تأسیس این کمیته ۱۹۰۵ میلادی بوده است.

آدمیت نقش انقلاب روسیه را در تنویر افکار مردم و آزادی‌خواهان ایران، بی‌تأثیر ندانسته، تشکیل کمیته «اجتماعیون عامیون ایرانی» را متأثر از انقلاب روسیه ذکر می‌کند.

وی مباحثی مانند حکومت ملی، موجودیت مجلس‌الای‌الابد، اجزای عمده حقوق اساسی که در قانون اساسی هم گنجانده شده است، مانند آزادی قلم، بیان، مجامع سیاسی و آزادی‌های شخصی، مساوات، حق رأی عمومی، انتخابات منظم و آزاد و انتخاب هیأت وزیران به وسیله مجلس را از عناصر مهم دموکراسی می‌داند.

آدمیت از زمره روشنفکرانی است که حرکت های مذهبی به رهبری روحانیان را حرکت های ارتجاعی می داند که دوام نمی یابند، مگر آن که قواعد آن براساس قوانین موضوعه بشری موجود در جهان امروز پایه گذاری شود. وی، بر اساس همین نگرش در جریان رژی و قیام تنباکو بر این باور است که عالمان شریعت در ایجاد و تکوین حرکت مردم سهمی نداشتند و به هر تقدیر در اثر بازی حوادث به ماجرا کشیده شدند.

از نظر آدمیت، علت فاعلی جنبش تنباکو، اعتراض صنفی بازرگانان و کسبه بود و آنان بودند که عالمان را ناخواسته وارد ماجرا کردند .

در نگاه آدمیت به مشروطه، اصالت با تحولات مغرب زمین است و این ایران است که باید به سمت اقتباس و کپی کردن آن تحولات پیش رود که در این روند، نقش روشنفکران غرب گرا غیرقابل انکار جلوه می کند؛ بدین سبب، طبقه روحانیان باید دنباله رو آنان باشند؛ چرا که به عقیده وی، روحانیان از اندیشه های جدید بهره ای نبرده بودند.

مشروطه اسلامی در نگاه آدمیت، مفهومی متضاد و پارادوکسیکال است .

او در خصوص شیخ فضل الله می نویسد:

در برابر موقع شناسی بهبهانی، غلط اندیشی و کج تابی شیخ فضل الله در این بود که می پنداشت با افراشتن لوای مشروطیت مشروعه بتواند پیشوایی روحانی را به دست آورد.

وی در مورد مشروطه خواهی بهبهانی می نویسد:

زیرکی بهبهانی در این بود که به همه احوال، خود را با حرکت مشروطه خواهی دمساز می ساخت؛ گرچه انگیزه باطنی اش ریاست فائده روحانی بود، نه تأسیس حکومت مشروطه ملی، و خود داعیه چنین ریاستی را در سر می پروراند. ... حقیقت این که سید بهبهانی، در

دل به قوت و برتری شیخ فضل الله آگاه بود، رضا نداد که او در ریاست شرعی و قدرت سیاسی و جلال آخوندی، شریک وی گردد،

و در تحلیلی کلی تر در مورد اختلاف میان روحانیان اظهار می دارد:

در جدالی که بر سر مشروطیت اسلامی در گرفت، مهم تر از جنبه نظری و مسلکی اش، قضیه نبرد قدرت طلبی روحانی مطرح بود ... و مفهوم مشروطه اسلامی، زاده چنین رقابت و خودپرستی ملایی بود.

ارسال از : منوچهر یزدانی

<http://www.mahnaax.com>

منابع :

- ر.ک: اسماعیل رانین، انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت؛ همو، فراموشخانه و فراماسونری در ایران؛ عبدالهادی حانری: تاریخ جنبش ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی.
- علی اصغر حقدار: فریدون آدمیت و تاریخ مدرنیته در عصر مشروطیت، ص 11.
- مجله 15 خرداد، ش اول،.
- فریدون آدمیت: اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، ص 8.
- ابوالفضل شکوری: جریان شناسی تاریخ نگاری در ایران معاصر، ص 448.
- فریدون آدمیت: اندیشه های طالبوف تبریزی، مقدمه.
- سیمین فصیحی: جریانهای اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی، ص 283 و 284.
- فریدون آدمیت: اندیشه های میرزا آقا خان کرمانی، مقدمه، ص پانزده؛ به نقل از جریان های اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی، ص 283.
- آشفتگی در فکر تاریخی، ص 7؛ به نقل از همان.
- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ص 19 و 20.
- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج 1.
- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران،.
- فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، ص 4. آدمیت مشخص نمی کند که نویسنده رساله اصول عمده مشروطیت چه کسی بوده است.
- فریدون آدمیت: شورش بر امتیاز نامه رژی، ص 136.
- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص 35.
- ادوارد یاکوب پولاک: سفرنامه پولاک، «ایران و ایرانیان»، ص 225.